



### روش‌شناسی کلامی شیخ حر عاملی در مقام دفاع در حوزه‌های ردّ شبهات و مکاتب معارض

محمد غفوری نژاد<sup>۱</sup>  
ام‌البین خالقیان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۹  
تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۰۹/۱۰

#### چکیده

روش‌شناسی علم کلام، بررسی راه‌هایی است که ما را در علم کلام به استنباط عقاید و دفاع از آن می‌رساند. متکلم در مقام استنباط، به معرفت صحیحی از آموزه‌های دین می‌رسد و در مقام دفاع، آن معرفت را تبیین، تنظیم و اثبات می‌کند و به ردّ شبهات و عقاید معارض می‌پردازد. در این نوشتار از میان پنج مرحله مقام دفاع، با مروری بر آثار کلامی متعدد شیخ حر، روش‌های مورد استفاده وی را در دو مرحله اخیر بررسی می‌کنیم. شیخ حر در مقام ردّ شبهات و مکاتب معارض از روش‌هایی همچون: ردّ صورت و ماده استدلال، بیان تضاد در دیدگاه شبهه‌گر، ردّ مبانی یا لوازم دیدگاه خصم، ذکر مثال و حکایت، تبیین مفردات، تنبیه بر استثنای موجود یا قرائن حالی، ارجاع به بدیهیات، طرح سؤال و مطالبه دلیل از خصم بهره برده است.

#### واژگان کلیدی

روش‌شناسی کلام، حر عاملی، پاسخ به شبهه، مناظره، ردّ مکاتب معارض.

۱. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

۲. مدرس حوزه و دانشگاه، پژوهش‌گر پژوهشگاه ادیان و مذاهب.

## مقدمه

شیخ حرّ عاملی، یکی از محدثان بنام نیمهٔ دوم قرن یازدهم هجری، در پس چهرهٔ حدیثی خود، متکلمی است که به روش‌های مختلفی به استنباط و دفاع از موضوعات اعتقادی و به‌خصوص موضوعات اختلافی پرداخته است. این چهره در لابه‌لای کتب گوناگون وی از جمله: اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، الفصول المهمة فی اصول الائمه، هدیة الامه، الايقاظ فی الهجعة بالبرهان علی الرجعه، رساله خلق الکافر، رساله الاثنی عشریه فی الرد علی الصوفیه، تنزیه المعصوم عن السهو و النسیان، الفوائد الطوسیة و نیز در رسائلی در باب امامت، کشف می‌گردد. اگرچه برخی پژوهش‌گران به مباحث محتوایی و موضوعات اعتقادی مطرح‌شده در منابع و کتب مختلف باقی‌مانده از شیخ حرّ عاملی پرداخته‌اند، ولی تاکنون روش‌شناسی کلامی وی مورد مطالعه قرار نگرفته است. شیخ حر عاملی دارای تحلیل‌های کلامی است که در پس پردهٔ عنوان اخباری‌گری او پنهان مانده و از طریق مطالعهٔ نظام‌مند، قابل کشف و ارائه است.

دانش کلام، علم اصیل اسلامی است و در مجامع علمی شناخته شده و وظیفهٔ استنباط و دفاع از مکتب حقّ اهل‌بیت علیهم‌السلام را به عهده دارد. هر یک از این دو مقام، اقتضائات خاص خود را دارد که باید در هر مقامی اقتضای خاص آن را لحاظ کرد، زیرا عدم تفکیک این مراحل، موجب به وجود آمدن مشکلاتی در هر دو مرحله خواهد شد.

مقصود از «روش‌شناسی علم کلام»، بررسی راه‌هایی است که ما را در علم کلام به هدف و مقصود - که همان استنباط عقاید و دفاع از آن است - می‌رساند. مقام استنباط مرحله‌ای است که متکلم، معنا و مقصود گوینده را در دو مرحلهٔ فهم مقصود از متن و مقایسهٔ معنا با دیگر معانی استنباط‌شده کشف می‌کند. پس روش‌های نقلی و اقتضائات زبانی را لحاظ می‌کند و در صورت عدم مخالفت آن با عقل، به آن اعتقاد و باور پیدا می‌کند؛ بنابراین عقل و داده‌های عقلی نیز لحاظ می‌شود. سپس متکلم در مقام دفاع، آن معرفت را تبیین، تنظیم و اثبات می‌کند و به رتبهٔ شبهات و عقاید معارض می‌پردازد (برنجکار، ۱۳۹۱: ۴۶ و ۴۷). دفاع از دین، دومین وظیفهٔ متکلم است که از ابتدای پیدایش این علم، بسیار مورد توجه متکلمان اسلامی بوده است. در مقام دفاع، پنج مرحلهٔ تبیین، تنظیم، اثبات، رتبهٔ شبهات و رتبهٔ عقاید معارض پیموده می‌شود. روش‌شناسی شیخ حرّ عاملی در دو حوزهٔ استنباط عقاید و دفاع از عقاید دینی قابل بررسی است. در موضعی دیگر به روش‌شناسی کلامی شیخ حر در حوزهٔ استنباط، تبیین، تنظیم و اثبات پرداخته شد (خالقیان، ۱۳۹۴: ۵۰-۱۹۶)، لیکن محقق در این جستار، از آن‌جا که دفاع

در معنای خاصّ آن به ردّ شبهات و مکاتب معارض گفته می‌شود، تنها در همین دو مرحله، یعنی ردّ شبهات و ردّ مکاتب معارض، به روش‌شناسی کلامی شیخ حرّ عاملی در مقام دفاع از حقانیت اصول اعتقادی مذهب تشیع، با بهره‌گیری از آثار به‌جامانده از شیخ حر عاملی پرداخته است. این جستار در صدد پاسخ به این سؤال است که روش‌های کلامی شیخ حر عاملی در مقام دفاع، در دو مرحله ردّ شبهات اعتقادی و ردّ مکاتب معارض چیست؟ بدان امید که این تحقیق، گامی عملی در جهت تقویت توان دفاع از معارف اعتقادی و آموزه‌های دین را برای علاقه‌مندان عرصه و میدان کلام فراهم آورد و نقاط ضعف در این حوزه را گوشزد کند. با توجه به حجم دشمنان علیه اعتقادات شیعه، نیاز به آشنایی با روش‌های علمی و محکم برای دانشمندان علم کلام ضروری است. هم‌چنین با توجه به گسترش روزافزون دین مبین اسلام و مکتب تشیع در میان مردم جهان، برای تبلیغ اعتقادات و مبانی فکری مسلمین و شیعیان، نشان دادن علم کلام به عنوان یک دانش روش‌مند، که در همه مباحث، از روش‌های متعدد و در عین حال متقن و علمی استفاده می‌کند، ضرورت این نوع از تحقیقات را دوچندان می‌کند. گفتنی است، این تحقیق از نوع بنیادی است و روش گردآوری داده‌ها کتاب‌خانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی تدوین شده است.

### ۱. روشن‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی

«شبهه» از ماده «شبهه» گرفته شده است. اکثر لغویون این واژه را دارای اصل واحدی دالّ بر مطلق همانندی در ذات و یا صفات می‌دانند (جوهری، ۱۴۱۰ق، ۶: ۲۲۳۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۳: ۵۰۳؛ فیومی، بی‌تا، ۲: ۳۰۳). شبهه وارد کردن عبارت است از ارائه دلایل فاسد و توجیهات نادرست به منظور حق جلوه دادن باطل و برعکس. حق‌نما بودن و استدلال، از مقومات شبهه است؛ بنابراین اگر بطلان ادعایی واضح و آشکار باشد و یا به ادعای صرف بسنده شود، نمی‌توان آن را شبهه نامید، زیرا بطلان ادعای بدون دلیل، امری روشن و واضح است (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۹۰). مشکل بودن فهم آنچه موجب شبهه شده و نبودن دلیل قطعی و صریح برای مطلبی که به آن شبهه می‌شود و هم‌چنین سوء نیت شبهه‌کننده، از قیود دیگری است که در همه شبهات وجود ندارد (محمدی، ۱۳۸۸: ش ۱۵). شناخت شبهه و پاسخ‌دهی به آن - اگرچه از دیرباز از وظایف مهم متکلمان به حساب می‌آمده، اما در این برهه از زمان به دلیل رشد شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی شبهه‌افکن - از مهم‌ترین اموری است که باید متکلمان به آن بپردازند.

### ۱-۱. مفهوم «شک» و تفاوت آن با شبهه

معنای اصلی «شک» در لغت «تداخل» است: «أصل واحد مشتق بعضه من بعض، و هو يدلّ علی التداخل» ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳: ۱۷۳ و به حالتی در مقابل یقین گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ۶: ۱۰۶؛ ابن فارس، بی‌تا: ۱۷۳؛ خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ۵: ۲۷۰). شبهه می‌تواند یکی از عوامل و اسباب شک باشد. به علاوه، بروز شک ممکن است غیراختیاری باشد، اما شبهه کردن امری اختیاری است (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۹۱). در برخی روایات نیز این دو، قسیم هم قرار گرفته‌اند. در روایتی، امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «بنی الکفر علی اربع دعائم: الفسق و الغلو و الشک و الشبهة...»؛ کفر بر چهار ستون بنیان نهاده شده است: فسق، غلو، شک و شبهه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۹۱).

### ۲-۱. مفهوم «سؤال» و تفاوت آن با شبهه

معنای لغوی «سؤال»، مطلق طلب و خواستن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱: ۳۱۸. ابن اثیر، بی‌تا، ۲: ۳۲۷). سؤال معمولاً برای رسیدن به شناخت و کشف حقیقت است، اما شبهه‌آفرینی تلاشی منفی و مخرب در جهت ایجاد شک و تردید در مخاطب و آشفتگی در باورهای دینی است. به همین خاطر است که در اسلام، از پرسش استقبال شده و همگان به پرسش‌گری دعوت شده‌اند (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۰ و ۴۱؛ سیدرضی، ۱۳۸۵: خطبه ۱۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۲۴ و...) و در مقابل، از شبهه‌گری و فرو افتادن در شبهات نهی شده است (آل عمران: ۷؛ سید رضی، ۱۳۸۵: نامه ۳۱ و ۶۵).

### ۳-۱. هدف و فواید پاسخ به شبهات

اگرچه هدف اصلی از پاسخ به شبهات اعتقادی، جلوگیری از تزلزل آموزه‌های اعتقادی اسلام و محافظت از این عقاید و برطرف کردن موانع پذیرش عقاید درست از اذهان مردم است، اما بالا رفتن فهم مخاطبان درباره اعتقاد مورد بحث، یافتن استدلال‌های جدیدی در موضوع بحث، طرح مباحث جدیدی در علم کلام، تقویت ذهنی متکلم و توانمند شدن برای پاسخ به شبهات مشابه، از فواید دیگر پاسخ به شبهه است (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

### ۴-۱. روش‌شناسی پاسخ به شبهات

شیخ حر عاملی معتقد است، به تمام شبهات به طور اجمال می‌توان چنین پاسخ گفت: تمام شبهات از آنجایی که شبهه هستند، معارض با یقینند و هرچه چنین باشد، باطل است که

جماعتی از متکلمان و... این را محقق و قطعی دانسته‌اند (عاملی، شماره بازیابی ۳۶: ۵۱)؛ با این حال، وی به بسیاری از شبهات به طور خاص پاسخ گفته است.

از آن‌جا که هر شبهه‌ای که وارد می‌شود، یا به جهت اشتباه و اشکال در صورت استدلال آن است و یا به جهت بطلان ماده و مقدمات به‌کاررفته، در پاسخ‌گویی باید در هر دو قسمت دقت کنیم تا به راحتی بتوانیم آن را پاسخ دهیم.

#### ۱-۴-۱. پاسخ به شبهه با روش ردّ صورت استدلال

اشکال در صورت استدلال می‌تواند موارد متعددی داشته باشد؛ مانند عدم رعایت شروط عامه و یا خاصه قیاس اقترانی و...، ولی در آثار شیخ حر عاملی در ردّ شبهات اعتقادی، پاسخی که ناظر به روش اشکال در صورت استدلال باشد، یافت نشد. تنها مطالبی که از وی یافت شد، چنین است که وی در ردّ قاعده «لازم عام، لازم خاص است» می‌گوید: این مقدمه کلی نیست؛ پس صلاحیت ندارد که کبرای شکل اول قرار بگیرد. حال آن‌که این قضیه را به کار برده‌اند و احکام قضایا را بر آن بار کرده‌اند، که لازمه‌اش بطلان این احکام است (عاملی، ۱۴۰۳: ۱۲۳).

#### ۲-۴-۱. پاسخ به شبهه با روش ردّ ماده استدلال

مراد از «ماده»، مقدماتی است که در استدلال به کار رفته، که یا خود آن مقدمات باطلند و یا مبتنی بر مبانی‌ای هستند که آن مبانی باطل است. در این موارد نیز اگرچه ممکن است روش‌های متعددی وجود داشته باشد، نگارنده در این‌جا تنها به مواردی اشاره می‌کند که شیخ حر در پاسخ‌گویی به شبهات، آن‌ها را متذکر شده است.

#### ۱-۲-۴-۱. پاسخ به شبهه با روش بیان تضاد در دیدگاه شبهه‌گر

گاهی لازم می‌آید برای رفع شبهه، به تضاد موجود در اعتقادات شبهه‌گر اشاره شود تا سخنانش از اعتبار ساقط شده و بنای شبهه فرو ریزد. شیخ حر عاملی در پاسخ به برخی شبهات، از این روش استفاده می‌کرد. وی شبهاتی را که مجبره به آن‌ها احتجاج می‌کند، جمع‌آوری کرده و سپس به ردّ شبهات آن‌ها می‌پردازد. از جمله شبهاتی که از مجبره نقل می‌کند این شبهه است که: اگر بنده، افعال را خلق کند، باید عالم به آن افعال باشد که تالی باطل است؛ پس مقدم هم مثل آن باطل است. شیخ حر به بیان شرطیت در این قضیه می‌پردازد و آن را به شکل مبسوطی بیان می‌کند. سپس در پاسخ می‌گوید: در انجام فعل، علم اجمالی کافی است و شکی نیست که این علم اجمالی حاصل است. وی در ادامه می‌گوید: تعجب‌آور این است که جمعی از مجبره می‌گویند علم خداوند اجمالی است و برای خلق افعال کافی است؛

یعنی با همین علم اجمالی، خداوند افعال را خلق می‌کند، ولی برای بنده، علم اجمالی را در انجام فعل کافی نمی‌داند (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۱۳). بنابراین وی با بیان تضاد در اعتقادات شبهه‌گر، شبهه را از درجه اعتبار ساقط می‌کند.

#### ۱-۲-۴. پاسخ به شبهه با روش رد لوازم شبهه

گاهی ممکن است فردی حرفی را بزند و ادعایی را مطرح کند، بدون این‌که به لوازم حرف و ادعایش توجه داشته باشد. روش ذکر لوازم شبهه و بیان فساد و بطلان آن، یکی از روش‌هایی است که می‌توان اشتباه شبهه‌گر را به راحتی به او و یا مخاطبان فهماند. شیخ حر در پاسخ به این شبهه که: چرا خداوند کافر را خلق کرد، با بیان لوازم فاسد شبهه به رفع شبهه می‌پردازد؛ به این معنا که لازمه این‌که خلق کافر را غیرحکیمانه و بیپوده بدانیم، نسبت عبث و فعل قبیح به خداوند است. وی می‌نویسد: با ادله عقلی و نقلی ثابت می‌شود که خداوند عادل و حکیم است و کار قبیح نمی‌کند و از ظلم و عبث و نقص و جهل منزّه است؛ پس واجب است همه افعال خدا را مطابق با مصلحت و حکمت بدانیم، اگرچه حکمت آن بر ما آشکار نشود (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۲).

#### ۱-۲-۳. پاسخ به شبهه با روش رد مبنای شبهه‌گر

گاهی شبهه، ریشه در برخی مبانی و عقاید باطل و اشتباه مخاطب دارد. در این مواقع برای پاسخ به شبهه باید مبنای آن را شناخت تا با شناسایی مبانی شبهه، راحت‌تر بتوان اساس شبهه را بر هم ریخت تا کل بنای شبهه نیز فرو بریزد. شیخ حر عاملی در پاسخ به این شبهه فخر رازی که چرا علی علیه السلام تقیه کرد و حشش را مطالبه نکرد، مبانی اعتقادی شبهه‌گر را ریشه‌یابی کرده و با رد مبنای شبهه را نیز ابطال کرده است. وی می‌گوید: بنا بر قول رازی و امثال او که مجبره هستند، انسان‌ها در انجام فعل یا ترک آن هیچ قدرتی ندارند و همه افعال، افعال خداوند است؛ بنابراین شبهه از بین رفته و اعتراض باطل است، زیرا تمام این افعال، فعل خداوند یا فعل مکلف از طریق جبر است؛ پس صحیح نیست که بگوییم چرا علی علیه السلام تقیه کرد و حشش را مطالبه نکرد (عاملی، ۱۴۰۳: ق: ۱۸).

#### ۱-۲-۴. پاسخ به شبهه با روش پاسخ نقضی

در این روش، متکلم با استفاده از استدلال شبهه‌گر، مصادیقی را بیان می‌کند که شبهه‌گر نیز آن را قبول داشته تا ساختمان استدلال او را فرو بریزد و دلایل او را نقض کند. این مصادیق

باید از مواردی باشد که شبهه‌گر نیز آن را قبول داشته، تا با ارائه آن، او و یا مخاطبان متوجه اشتباه استدلال مذکور شوند و در نتیجه، شبهه از اعتبار ساقط شود.

شیخ حر عاملی قوی‌ترین شبهه منکرین رجعت را چنین مطرح می‌کند: با ادله عقلی و نقلی ثابت شده است که ممکن نیست یک چشم به هم‌زدن زمین از حجت خدا خالی بماند و ممکن نیست غیرافضل بر افضل مقدم شود. بنابراین رجعت معنا ندارد، چون لازم می‌آید یا امام زمان علیه السلام از امامت عزل شود - در صورتی که احادیث دلالت می‌کنند امامت او تا قیامت ادامه دارد - و یا غیرافضل یعنی امام زمان بر افضل یعنی حضرت امیر علیه السلام یا امام حسین علیه السلام مقدم باشد (عاملی، ۱۳۶۲: ۴۱۲). شیخ حر با ارائه مثال نقض، اساس استدلال آنان را بر هم می‌ریزد و موجب می‌شود شبهه به خود آنان برگردد. وی می‌نویسد: قبلاً اثبات کردیم که انبیا و اوصیای گذشته در بنی اسرائیل و سایر اقوام هم رجوع کرده‌اند، با این‌که قطعاً هر پیغمبری از وصی خود و هر وصی از وصی بعدی افضل بوده، زیرا تقدیم غیرافضل بر افضل ممکن نیست، و خلافت هر وصی هم مدت معینی داشته؛ پس در صورتی که رجعت انبیای سابق به اشکالی برنخورده، رجعت ائمه علیهم السلام هم اشکالی ندارد و هر جوابی شما آن‌جا دادید، ما هم این‌جا می‌دهیم (عاملی، ۱۳۶۲: ۴۱۹).

#### ۱-۴-۵. پاسخ به شبهه با روش پاسخ حلی

از آن‌جا که گاهی تنها با ارائه پاسخ نقضی جواب شبهه داده نمی‌شود، در این موارد متکلم می‌تواند با پاسخ‌های حلی و ارائه برهان و استدلال، پاسخ را تکمیل کرده و از اساس شبهه را ریشه‌کن کند. بنابراین، پاسخ نقضی اگر مقدم بر پاسخ حلی باشد، زمینه مناسب برای پاسخ حلی مهیا می‌شود، اما شیخ حر در استدلال‌های خود رعایت چنین تقدم و تأخری را نکرده و غالباً استدلال‌های حلی را مقدم داشته است.

وی در پاسخ به شبهه استبعاد رجعت، چندین پاسخ حلی می‌دهد و معتقد است ریشه انکار منکرین، استبعاد است، چون بسیاری از عقل‌های ضعیف، از پذیرفتن این‌گونه مطالب عاجز است؛ مخصوصاً به لحاظ شاخ و برگ‌هایی که در بعضی احادیث اضافه شده، نظیر حدیثی که مدت رجعت آل محمد علیهم السلام را هشتاد هزار سال معرفی می‌کند. وی می‌گوید: استبعاد، حجت و دلیل شرعی نیست و در مقابل دلیل، تاب مقاومت ندارد؛ پس مطلب محال نیست و باید به طور شک و تردید با آن برخورد کرد، نه به نحو ردّ و انکار. چیزی که ممکن شد و دلیلی هم بر ردّش نبود، انکارش جایز نیست. وی در ادامه می‌گوید: شاید مدت مشارالیه از باب مبالغه باشد، چراکه

این گونه مطالب نسبت به فضل ائمه علیهم السلام چیزی نیست و نسبت به قدرت و کرم خدا، بی مقدارتر است (عاملی، ۱۳۶۲: ۴۰۷ و ۴۰۸). روش پاسخ حلی، شیوه متداول شیخ حر عاملی در ارائه پاسخ به شبهات است.

#### ۱-۴-۶۲. پاسخ به شبهه با روش ذکر مثال و تشبیه

گاهی شبهه در برخی مسائل اعتقادی به دلیل سنگینی آن مسائل و نیز به دلیل این که مخاطب برای آن ها مثالی محقق نمی یابد، ایجاد می شود. این موارد باعث می شود مخاطبان در فهم آن ها دچار شبهه شده و آن را متوجه نشوند و یا اساساً چنین آموزه ای را باطل بدانند. در برخی مواقع، متکلم باید با ارائه مثال ها و تصویرسازی و بیان تشبیهات، شبهه ایجاد شده در ذهن مخاطب را رفع کند.

شیخ حر در پاسخ به قوی ترین شبهه منکرین رجعت، با این مضمون که ممکن نیست در یک چشم به هم زدن زمین از حجت خالی بماند و ممکن نیست در یک زمان چند حجت از جانب خدا در زمین باشد و غیر افضل بر افضل مقدم شود، با مثالی از وقایع عصر پیامبر صلی الله علیه و آله این شبهه را پاسخ می دهد. وی می گوید: معراج پیامبر صلی الله علیه و آله با اجماع و تواتر ثابت است. بنابراین در موقع معراج یا باید بگویید زمین از حجت خالی مانده و ادله ای را که می فرماید هیچ گاه زمین خالی نمی ماند، به دلیل معراج که قطعی است، تخصیص بزنید؛ پس در رجعت هم این تخصیص ممکن است و یا بگویید موقتاً امیرالمؤمنین علیه السلام امام بوده که معلوم می شود ممکن است در یک زمان، دو حجت از خداوند باشد. پس در رجعت هم جایز است که همراه با امام زمان، امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و سایر ائمه برگردند و چند حجت در یک زمان وجود داشته باشد (عاملی، ۱۳۶۲: ۴۲۱).

وی در رابطه با احادیث مشیت و اراده خداوند که متعلق به افعال مکلفان است، به شبهه جبر اشاره می کند؛ به این معنا که تعلق مشیت و اراده خدا به افعال مکلفان، موجب جبر آن ها می شود. وی در پاسخ به این شبهه، جواب های متعددی را بیان می کند. در یکی از پاسخ ها، تعلق اراده و مشیت خداوند به افعال بندگان را مثل قضا و قدر می داند و می گوید: همان طوری که - قبلاً ثابت کردیم و دانستید - قضا و قدر منافاتی با تکلیف ندارد و منجر به جبر نمی شود؛ پس تعلق اراده و مشیت خداوند به افعال مکلفان هم موجب جبر نمی شود (عاملی، شماره بازبایی ۳۱۴۷/۱: ۲۵).



#### ۱-۴-۲-۷. پاسخ به شبهه با روش تبیین مفردات

گاهی شبهه بر اساس عدم درک صحیح از معانی به‌کاررفته در آموزه دینی است. هم‌چنین گاهی برخی الفاظ مأخوذ در آموزه‌های کلامی، حامل معانی گوناگون هستند و یا الفاظ اصطلاحی هستند که نیاز به تبیین و توضیح دارند، و عدم فهم صحیح از آن‌ها موجب ایجاد شبهه در مخاطب می‌شود. در این‌گونه موارد، متکلم باید با تبیین صحیح واژه‌ها و مشخص کردن حد و مرز معانی آن‌ها، شبهه را دفع کند.

شیخ حر عاملی در پاسخ به این شبهه که مراد از رجعت، خروج حضرت مهدی عج و برگشتن دولت به دست آل محمد علیهم‌السلام است نه زنده شدن، با بیان دوازده دلیل از جمله با تبیین مفردات و واژه‌ها، این شبهه را برطرف می‌کند و می‌گوید: علمای لغت تصریح کرده‌اند که مراد از رجعت، زنده شدن و برگشتن به دنیا است (عاملی، ۱۳۶۲: ۴۲۴ و ۳۰) و از مراجعه به موارد استعمال کلمه «رجعت» معلوم می‌شود که مقصود از رجعت، زنده شدن بعد از مرگ است (عاملی، ۱۳۶۲: ۴۲۴) و برداشت خروج از رجعت، خلاف ظاهر است (عاملی، ۱۳۶۲: ۴۲۴).

#### ۱-۴-۲-۸. پاسخ به شبهه با روش تنبیه به استثنای موجود

در برخی از شبهات، شبهه‌گر بدون توجه به حصر موجود، شبهه خود را مطرح می‌کند. در این مواقع متکلم باید با توجه و تنبیه دادن به حصر موجود، اساس شبهه را در هم بریزد و ثابت کند استدلال شبهه‌گر، غلط است.

شیخ حر، شبهه‌ای در ردّ امامت علی علیه‌السلام بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح می‌کند. مضمون شبهه چنین است: بنا بر حدیث پیامبر درباره علی علیه‌السلام که: «انت منی بمنزلة هارون من موسی»، هارون تقیه نکرد و بر منبر بالا رفت و حق خود را بیان کرد و مردم را به پیروی از خود دعوت کرد. اگر علی علیه‌السلام هم جانشین پیامبر بود، چرا به خاطر تقیه و خوف، این کارها را نکرد؛ از منبر بالا نرفت و دعوت نکرد؟ بنابراین، عامه بر صواب است (عاملی، ۱۴۰۳: ۱۴). وی در پاسخ این شبهه می‌گوید: این حدیث بنا بر نظر فریقین چنین است: «علی منی بمنزلة هارون من موسی الا لا نبی بعدی». لذا عدم توجه به استثنا، باعث شبهه شده است. استثنای منزلت نبوت که مختص به هارون است، موجب استثنای لوازم و توابع نبوت از علی علیه‌السلام می‌گردد. از جمله این لوازم، عدم جواز تقیه از جانب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. پس هارون چون نبی بوده نمی‌توانسته تقیه کند، ولی علی چون امام بوده نه نبی، می‌توانست تقیه کند (عاملی، ۱۴۰۳: ۱۵).

### ۱-۲-۹. پاسخ به شبهه با روش تنبیه به مقتضای حال و شرایط

شیخ حر در پاسخ به شبهه فوق، مخاطب را متوجه اختلاف احوال و شرایط و مقتضای حال هارون و علی علیه السلام می‌کند، زیرا لازمه اختلاف احوال و شرایط و اقتضائات، اختلاف احکام و وظایف است. وی می‌گوید: هارون و علی در همه اوصاف و احوال یکسان نبودند. هارون در زمان موسی علیه السلام مرد، ولی علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سی سال زندگی کرد. هارون، خدا را بر اساس شرع خود می‌پرستید و علی علیه السلام نیز بر اساس شرع خود (عاملی، ۱۴۰۳:ق: ۱۵). علی می‌دانست اگر مثل هارون حقیقت را اظهار کند و به قول ما جنگ کند، همه یا اکثر آنان که اسلام آورده بودند، از دین برمی‌گردند و یا ادعای نبوت برای فرد یا افراد دیگری می‌کردند و فساد حاکم می‌شد؛ لذا برخلاف هارون حقیقت را اظهار نکرد، چون شرایط و مقتضای حال آنان با هم فرق داشت. هارون قدرت بر اظهار و انکار و بالا رفتن از منبر و نهی از منکر را داشت، ولی علی چنین قدرتی نداشت، زیرا مردم با غیر او بیعت کرده بودند و آن‌ها بر منبر بالا رفته بودند و او را از حقیقت منع کردند (عاملی، ۱۴۰۳:ق: ۱۷).

وی هم‌چنین می‌نویسد: هارون که با صراحت حقیقت را بیان کرد، به خاطر این بود که یآوری مثل موسی علیه السلام داشت و مطمئن بود که از حال مردم باخبر می‌شود و حق و باطل را برایشان بیان می‌کند، زیرا موسی در بین مردم بود، ولی جانشینی علی علیه السلام در زمانی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرده بود و وی بعد از رحلت پیامبر یآوری نداشت (عاملی، ۱۴۰۳:ق: ۱۵)؛ به علاوه، هارون مردم را به خود فرا نمی‌خواند، بلکه مردم را به عبادت خدا دعوت می‌کرد و از عبادت گوساله بازمی‌داشت و لذا در نزد مردم متهم نبود، ولی علی علیه السلام نزد مردم متهم بود، زیرا به حسب ظاهر مردم را به سوی خود دعوت می‌کرد، اگرچه مصالح مردم در اطاعت از امام بود (عاملی، ۱۴۰۳:ق: ۱۷ و ۱۸).

البته شیخ حر بیان می‌کند که این تفاسیل، بنا بر این بود که ما با مخاطب همراهی کنیم و مسلم بدانیم که علی علیه السلام حق خود را اظهار نکرد، حال آن‌که از فریقین نقل متواتر در ابراز و اظهار حق داریم که بر کسی که از شبهه و تقلید به دور باشد، مفید علم است (عاملی، ۱۴۰۳:ق: ۱۷).

### ۲. روش‌شناسی ردّ مکاتب معارض

مراد از مکتب و عقیده معارض، هر نظر و عقیده‌ای است که در عرض آموزه‌های دینی مطرح شده و به طور کامل با آن‌ها انطباق نداشته باشد، نه تعارض مصطلح در اصول فقه. در عصر

حاضر، متکلم در دفاع از دین و ارزش‌ها و آموزه‌های دینی باید گامی فراتر از ردّ شبهات برداشته و به نقد و ردّ دیگر مکاتب بپردازد تا کامل بودن آموزه‌های دینی مکتب خود و پوچی و خلاف واقع بودن مکاتب معارض را اثبات کند. باید توجه داشت که متکلم برای کشف هماهنگی و یا ناهماهنگی عقاید طرح‌شده در دیگر مکاتب، با آموزه‌های دینی، نیاز به تسلط کامل، هم به آموزه‌های دینی و هم به مکاتب دیگر دارد. متکلم در مقام ردّ مکاتب، حالت هجومی دارد، به خلاف مقام دفع شبهه که در آن‌جا متکلم تدافعی عمل می‌کند. گفتنی است، اسلام برای ردّ افکار مخالف و ضد دین با حفظ موازین عقلانی، اهمیت خاصی قائل شده است.<sup>۱</sup>

## ۱-۲. هدف و فواید ردّ

هدف اصلی در ردّ مکاتب معارض این است که ثابت شود مکتب و دین مورد نظر متکلم، کامل‌ترین دین است و صحیح‌ترین نظریات را دارد و باقی عقاید طرح‌شده مبتلا به اشکال بوده و نمی‌توانند سعادت بشر را تأمین کنند. پیش‌گیری از ایجاد شبهه در آموزه‌های دین، رفع موانع فکری برای پذیرش عقاید درست دینی و تقویت عقاید یک مکتب، از دیگر فواید ردّ مکاتب معارض است (برنجکار، ۱۳۹۱: ۲۱۰ و ۲۱۱).

## ۲-۲. روشن‌شناسی ردّ مکاتب معارض

شیخ حر عاملی با تشخیص درست شرایط و موقعیت‌ها، برای ابطال مکاتب انحرافی و آموزه‌های نادرست، روش‌های گوناگونی را به کار گرفته است.

## ۱-۲-۲. روش بیان لوازم فاسد دیدگاه

گاهی افراد به لوازم باطل ادعاهای خود آگاهی ندارند؛ لذا باید آنان را متوجه لوازم فاسد حرفشان کرد تا به بطلان ادعای خود پی ببرند، اگرچه ممکن است برخی، چنین ادعاهای باطلی را حتی با آگاهی مطرح کنند. در این صورت، فایده چنین روشی آن است که سایر مردم متوجه بطلان حرف او شده و از او پیروی نمی‌کنند و مانع گسترش فساد فکری می‌شود.

شیخ حر در ردّ دیدگاه مجبره به لوازم فاسد این دیدگاه اشاره می‌کند و می‌نویسد: اعتقاد به جبر، مستلزم نهایت ظلم و جور از سوی خداوند است، زیرا فعلی را در ما خلق می‌کند، ولی ما را

۱. قرآن کریم دستور به جدال احسن و مناظره با مخالفان بر اساس ضوابط عقلی و شرعی را به پیامبر اکرم ﷺ صادر می‌کند: «و جادلهم بالتی هی احسن» (نحل: ۱۲۵). پیامبر اکرم ﷺ در روایتی خود را به عنوان «مجادل فی سبیل الله» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۵۲) معرفی می‌کند. امام صادق ﷺ نیز به برخی از یاران خود فرمودند: «خاصموهم و بیّنوا لهم الهدی الذی اتم علیهم و بیّنوا لهم ضلالتهم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۰: ۴۵۲).

به سبب آن عذاب می‌کند. هم‌چنین منزّه داشتن مخلوقات حتی ابلیس از هر عمل زشت و شر و معصیت و کفری، و نسبت دادن این‌ها به خالق، غیرمعقول و مقبول است؛ حال آن‌که خداوند نفس خود را منزّه از آن دانسته که به بندگان ظلم کند و می‌فرماید: «و ما ربک بظلام للعبید» (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۱۱ و ۱۲). وی سایر لوازم باطل دیدگاه جبر را، مخلوق خداوند بودن افعال بندگان، قبح تکلیف و عبث بودن امر و نهی و وعد و وعید و ارسال رسل و انزال کتب می‌داند و می‌نویسد: آیا عاقلی جایز می‌داند که سنگ و درخت، مکلف به نماز و حج باشند؟ بلکه به طور حتم این امر را قبیح می‌داند (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۱۰).

شیخ حر در ردّ حلول و اتحاد می‌گوید: در صورت حلول و یا اتحاد، لازم می‌آید واجب‌الوجود دستخوش تغییر و تبدیل شود و از حال خود به حال دیگری تغییر یابد و این تغییر و تحول قطعاً باطل است، زیرا با قدیم بودن ذات باری تعالی و واجب‌الوجود بودنش، منافات دارد (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۸۱). هم‌چنین اتحاد خدای متعال با غیر خود، به فرض حجّتش موجب تغییر و دگرگونی قدیم به حادث و واجب به ممکن و برعکس خواهد شد و یا سبب اجتماع آن اوصاف متناقض در یک ذات می‌شود که هر دو ملازمه، واضح و روشنند و نیاز به بیان ندارند و بطلان لوازم، بلکه ملزومات آن واضح‌تر است (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۸۲). وی ادعای یگانگی با خدا، ادعای کشف و آگاهی از غیب و تساوی با اهل عصمت، ادعای ساقط شدن تکالیف، ادعای عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر، عدم وجوب جهاد، بطلان نبوت و امامت و... را از دیگر مفاسد حلول و اتحاد می‌داند (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۹۷ و ۹۸).

شیخ حر برای ردّ دیدگاه کشف، به لوازم باطل این دیدگاه در تصوف اشاره می‌کند. برخی از این لوازم، اعتقاد به عصمت و علم غیب در صاحب کشف، بطلان معجزه و رفع تکلیف دینی است. وی می‌نویسد: فرض صحت کشف، لازمه‌اش این است که صاحب کشف هیچ‌گاه به خطا و اشتباهی دچار نشود که این همان معنای عصمت است. بنابراین، هر کس مدّعی کشف شد یا برایش کشف حاصل گشت، باید قائل به عصمت وی شد. صوفیان ادعا کرده‌اند برای بیشتر آن‌ها عصمت حاصل می‌شود که این سخنی بیهوده و محکوم به بطلان است (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۱۱۴). هم‌چنین لازمه صحت کشف، علم غیب و یا شناخت بسیاری از امور غیبی است که در این صورت لازم می‌آید مقام و رتبه علم و دانش صاحب کشف، برتر از همه انبیا حتی اشرف پیامبران حضرت محمد ﷺ باشد، زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: «ما أعلم ما وراء جداری هذا الا بوحی یوحی الیّ»؛ جز با وحی که به من الهام می‌شود، نمی‌دانم پشت دیوار خانه‌ام چه می‌گذرد (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۱۱۴ و ۱۱۵). وی در ادامه می‌نویسد: بر فرض صحت کشف و علم و دانش و

کراماتی که صاحبان کشف مدعی‌اند، لازم می‌آید که بر بسیاری از معجزات پیامبران و ائمه علیهم‌السلام خط بطلان کشیده شود و نه تنها در زمینه آوردن معجزات، امکان برابری و مساوات آنان با پیامبران و ائمه علیهم‌السلام وجود داشته باشد، بلکه در صحت ادعای پیامبری و امامت آنها نیز شک و تردید به وجود آید، زیرا دلایلی که ثابت‌کننده ادعای آنهاست، برای همه مردم، اموری ممکن است (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۱۱۷). به علاوه، صوفیان قائلند با حصول کشف، همه تکالیف از انسان ساقط می‌شوند، در صورتی که لازم، باطل و ملزوم نیز محکوم به بطلان است و ملازمه روشن است، چون خود، بدان اعتراف و اقرار کرده و مدعی آن شده‌اند (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۱۲۰). بنابراین شیخ حر با ردّ لوازم باطل یک دیدگاه، فساد آن دیدگاه را اثبات می‌کند.

### ۲-۲-۲. روش ردّ مبنایی و زیرساختاری

قوام و استحکام هر دیدگاهی، بر یک سری اصول و زیرساخت‌ها و پایه‌هایی استوار است که برای آن نظریه، نقش ستون‌های ساختمان را ایفا می‌کنند؛ لذا اگر مبنایی دیدگاه معارض دین کشف و تخریب شود، تمام ساختمان دیدگاه فرو خواهد ریخت. بنابراین، یکی از محکم‌ترین و کارآمدترین روش‌های نقد مکاتب، روش نقد مبنایی و زیرساختی است.

شیخ حر در ردّ اشاعره که قائل به جبر هستند، به ردّ مبنایی دیدگاه آنها می‌پردازد و می‌نویسد: مبنا و زیرساخت فکری آنان این است که تمام افعال از خداوند صادر می‌شود؛ حال آن‌که این مبنا درست نیست، زیرا شکی نیست که خداوند تنها خالق اجسام است، اما افعال و حرکات بندگان از اعراض است و آیات و روایات دالّ بر صدور آنها از بندگان است (عاملی، ۱۳۷۶، ۱: ۲۵۵).

وی در ردّ دیدگاه کسانی که دلیل عقلی ظنی را معتبر می‌دانند، به مبنای آن استناد می‌کند و می‌گوید: مبنای اعتقادات آنان این است که «استدلال به خبر واحد، در اصول جایز نیست». پس اگر چنین اعتقادی دارند، چگونه به وسیله خبر واحد بر چنین مطلب مهمی - حجیت دلیل عقلی ظنی - استدلال می‌کنند؟ این برخلاف روش آنان است (عاملی، ۱۴۰۳ق: ۳۵۰).

### ۳-۲-۲. روش استفاده از مبنای طرف مقابل

برای نقد اندیشه‌های مخالف، می‌توان از مبنایی و مطالبی که مورد قبول اوست، استفاده کرد. در این روش، متکلم سعی می‌کند تا با تنظیم استدلالی که محتوای آن را از مطالب مورد قبول خصم گرفته، عقاید او را رد کند؛ اگرچه ممکن است، خود متکلم آن مبنایی را قبول نداشته

باشد. لذا چون خصم آن‌ها را پذیرفته، چاره‌ای جز پذیرفتن آن‌ها ندارد. باید به این نکته توجه داشت که از شرایط استفاده از این روش، اطلاع دقیق و کافی از مبانی و منابع طرف مقابل است؛ در غیر این صورت، حتی ممکن است عقاید کلامی خود متکلم نیز نزد مخاطبان، متزلزل شود.

شیخ حر، استناد به کتب عامه را به خاطر احتجاج به آن‌ها به وسیله روایاتشان و عدم قدرت آن‌ها بر انکار این احادیث می‌داند (عاملی، ۱۴۲۵ق، ۱: ۵۴) که نه می‌توانند آن‌ها را رد کنند و نه معارضه با آن‌ها عاقلانه است (عاملی، ۱۴۰۲ق: ۲۴۲؛ عاملی، ۱۴۰۳ق: ۳۶۴). وی حتی بیان می‌کند: از ائمه علیهم‌السلام رسیده دیگران را به واسطه آنچه به آن ملزمند و اعتقاد دارند، مجبور به پذیرش حق کنید (عاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۸۳) و ائمه نیز از مبانی مورد قبول خصم علیه خودشان استفاده می‌کردند و علیه آنان احتجاج می‌کردند (عاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۸۲). ایشان با استفاده از اعتقاداتی که عامه داشتند، از جمله: قیاس، اجماع، استصحاب، اصل، مفهوم لقب، مصالح مرسله و مانند آن، علیه خودشان احتجاج می‌کردند و با این‌که ائمه علیهم‌السلام بر عدم حجیت این موارد تصریح کرده بودند، مثلاً در بسیاری از موارد برای این‌که استدلال بر مطلب مهمی کنند، از شعر که نزد عامه حجت است، استفاده می‌کردند تا سامع بهتر بفهمد و بیشتر مورد قبول او قرار گیرد؛ پس مطابق با مقتضای حال سامع و بلیغ سخن می‌گفتند (عاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۸۲).

شیخ حر در رد دیدگاه عامه، مبنی بر خلافت خلفا و عدم قبول عصمت و امامت علی علیه‌السلام از مبانی اهل سنت و روایات و منابع آنان استفاده کرده است، زیرا آنان در روایات نصوص و معجزات ائمه علیهم‌السلام متهم نیستند، اگرچه در غیر این روایات متهمند (عاملی، ۱۴۲۵ق، ۱: ۵۴). وی احادیث بسیاری در عصمت و امامت علی علیه‌السلام ذکر کرده و می‌نویسد: این احادیث همه از مناقب خوارزمی است که از شاگردان زمخشری و از اعیان علمای عامه است؛ هم‌چنین احادیث بسیاری نیز از زمخشری روایت شده است. از اینان و امثال آن‌ها تعجب می‌شود که احادیثی روایت می‌کنند، ولی اعتقاد ندارند و اعتراف می‌کنند، سپس انکار می‌کنند و شبهه و تقلید بر آنان غلبه می‌کند. سپس آن‌ها آنچه را روایت کرده‌اند، رد می‌کنند. وی در ادامه به کتب بسیاری از اهل سنت اشاره می‌کند که بر وزیر و وصی بودن و امیرالمؤمنین بودن و امام متقین بودن علی علیه‌السلام دلالت می‌کند (عاملی، ۱۴۲۵ق، ۳: ۲۷۰).

وی می‌نویسد: قاضی عبدالجبار با وجود تعصب و عناد بسیارش، به این احادیث طعن وارد نکرده، بلکه به تأویل آن‌ها پرداخته است، ولی این تأویل‌ها درست نیست؛ به علاوه جایی برای تأویل وجود ندارد (عاملی، ۱۴۲۵ق، ۳: ۲۴۹). او پس از بیان احادیثی در اثبات امامت می‌گوید:

این حدیث‌ها نصّ قاطع برای اثبات امامت ائمه علیهم‌السلام است که نه ردّ آن‌ها امکان دارد و نه معارضه با آن‌ها عاقلانه است. انکار وجود این همه احادیث به واسطه کثرت و تواتر، محال است و هر کس بخواهد آن‌ها را تأویل کند، دچار نوعی گمراهی می‌شود، زیرا بیشتر آن‌ها صراحت برای مقصود دارند، به طوری که قابل هیچ گونه تأویل نیستند. اگر بخواهند این احادیث را رد کنند، باید بقیه احادیثی را که آن‌ها نقل کرده‌اند، رد کنند (عاملی، ۱۴۰۲ق: ۲۴۲؛ عاملی، ۱۴۰۳ق: ۳۶۴). آنان اگر انصاف داشته باشند، ملزم به قبول این روایات می‌شوند (عاملی، ۱۴۲۵ق: ۳: ۳۴۷). به علاوه، نه تنها شهادت برای اثبات، مورد قبول‌تر از شهادت برای نفی است، بلکه حتی شهادت دادن به این‌که کسی کاری را نکرده، جز در موارد نادر مورد قبول نیست؛ به علاوه، شاهد بر نفی متهم در آن است (عاملی، ۱۴۲۵ق: ۳: ۳۸۷). بنابراین، شیخ حر عاملی با استفاده از مبانی طرف مقابل، از جمله منابع و روایات مورد قبول آنان، به ردّ دیدگاه و نظراتشان می‌پردازد.

#### ۴-۲-۴. روش هم‌گامی ظاهری با طرف مقابل

یکی از روش‌های ردّ عقاید طرف مقابل، این است که در ظاهر چند قدم با او هم‌گام شده و در جایگاه مناسب، به او نشان داده شود که با فرض همراهی با او، باز هم عقیده او در مورد بحث، صحیح نیست و اشکال دارد.

شیخ حر می‌نویسد: بسیاری از اصحاب گذشته، در استدلالشان به ظاهر همراه و موافق با خصم پیش می‌رفتند، اگرچه در باطن از سخنان معصومان علیهم‌السلام پیروی و به آن عمل می‌کردند. این از آن جهت بود که خصم را ملزم به پذیرش حق کنند (عاملی، ۱۴۰۳ق: ۳۱). وی در بحث کشف و ردّ نظریه تصوف، ابتدا با صوفیان همراهی کرده و به ظاهر عقیده آنان را پذیرفته و می‌گوید: به فرض اگر کشف نیز حاصل شود، یقین‌آور نخواهد بود. بسیار اتفاق می‌افتد اموری برای انسان کشف می‌شود، ولی پس از آن، فساد و بطلانش برای او پدیدار می‌گردد و کسی که ادعای کشف می‌کند و یا برایش مدعی کشف می‌شوند نیز همین‌گونه محکوم به بطلان است (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۱۱۴).

#### ۴-۲-۵. روش اثبات بطلان آموزه

در روش اثبات بطلان آموزه، به طور مستقیم به ردّ و نقد آموزه کلامی معارض با دین پرداخته و با استدلال مرتبط و مناسب با آموزه، اثبات می‌شود آموزه مورد نظر، باطل و دارای اشکال است.

شیخ حر این روش را بسیار به کار برده و به ابطال آرا و مذاهب باطل پرداخته و با استدلال‌هایی، عقاید آنان را رد کرده است. او یکی از ادلهٔ ردّ مجبره را با استفاده از روش بطلان آموزه چنین بیان می‌کند که در کتاب، سنت و کلام جمیع عقلا، فعل به بنده اضافه و نسبت داده می‌شود و قرآن از چنین نسبت‌هایی مملو و پر است؛ از «ایاک نعبد و ایاک نستعین» تا «یوسوس فی صدور الناس». این اسناد حقیقی است، زیرا حمل بر مجاز، دلیل و قرینه می‌خواهد و اگر قرینه و دلیلی نباشد، حمل بر حقیقت قطعی و معین است (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۱۱). وی با بیان این‌که فعل، فعل بندگان است و انسان با اراده و اختیار خود اعمال را انجام می‌دهد، بطلان جبر را ثابت می‌کند.

شیخ حر هم‌چنین در ردّ دیدگاه جبر در مجبره که به ظاهر بعضی آیات، از جمله «والله خلقکم و ما تعلمون» استناد کرده‌اند، می‌نویسد: این آیات حمل بر مجاز می‌شود؛ یعنی خداوند ارادهٔ خلق اسباب و لوازم کرده است. پس از آن‌جا که ادلهٔ اختیار و ردّ جبر و تفویض بسیار است، تأویل این آیات واجب است (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۱۲).

وی در اثبات بطلان کشف می‌گوید: همان‌طور که ظاهر است، در خبرهایی که صاحبان کشف می‌دهند، اختلاف بسیار زیادی وجود دارد که نیاز به بیان آن‌ها نیست (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۱۱۷). آن‌چه را صوفیان از آن خبر می‌دهند، خلاف آن فراوان ظاهر شده است و کرامات، دلایل و براهینی که بر ولایت خود ابراز می‌کنند، مردود و محکوم به بطلان است (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۱۱۸).

شیخ حر در اثبات بطلان دیدگاه واقفیه، ابتدا روایاتی را که موجب این دیدگاه غلط شده، بیان می‌کند و سپس می‌گوید که این روایات و مانند آن باعث شبههٔ واقفیه شده است که شیخ و دیگران آن را باطل کرده‌اند. آن‌گاه چندین دلیل در ردّ دیدگاه واقفیه و روایاتی که به آن استناد کرده‌اند، می‌آورد (عاملی، ۱۴۲۵ق، ۴: ۲۲۵) و به اثبات بطلان آموزه می‌پردازد.

## ۲-۲-۶. روش ارجاع به بدیهیات

یکی دیگر از روش‌های ردّ مکاتب معارض و مقابله با خصم، روش ارجاع به بدیهیات است. در این روش، راه دفاع بر خصم بسته می‌شود، زیرا کسی نمی‌تواند بدیهیات را انکار کند.

شیخ حر در برخی موارد، از جمله در ردّ جبر و دیدگاه مکاتب معارض به بدیهیات ارجاع می‌دهد و می‌نویسد: هر عاقلی قطعاً و بالوجدان می‌داند که در مقابل طاعت یا معصیت، او قادر به انجام یا ترک آن کار می‌باشد و این بدیهی و ضروری است و هر عاقلی فرق بین سقوط از



پشت‌بام و پایین آمدن از پله را می‌فهمد (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۱۰). وی هم‌چنین ضرورتاً مدح بر احسان را نیکو و ذمّ بر احسان را قبیح می‌داند و در بیان بدیهی بودن این امر، این سؤال را مطرح می‌کند: آیا به واسطه‌ٔ طلوع خورشید، فردی مدح شده و یا به واسطه‌ٔ غروب خورشید، کسی ذم شده است؟ (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۱۰) و نیز اگر افعال ما مخلوق خداوند باشد، نباید فرقی بین قاتل حسین (علیه السلام) و بین شمشیری که با او حضرت را شهید کردند، بگذاریم؛ حال آن‌که این فرق بدیهی است (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۱۰). بنابراین وی با توجه به بدیهیات و امور وجدانی و بالفطره، به ردّ مکاتب معتقد به جبر می‌پردازد.

## ۲-۷. روش بیان حکایت و مثال

بیان حکایت و مثال، تأثیر عمیقی در خصم می‌گذارد و روشی در ردّ مکاتب معارض است. شیخ حر در ردّ دیدگاه قائلان به جبر، از این روش نیز استفاده کرده است. وی می‌نویسد: برخی علمای ما حکایت کرده‌اند که قاضی‌ای از عامه و برخی علمای شیعه در مجلس خلفای عباسی جمع بودند که مردی بلندقد که پولی را دزدیده بود، آوردند. خلیفه گفت: چگونه جزایش می‌دهی؟ قاضی پاسخ داد: سی ضربه شلاق به او می‌زنم. فرد به شیخ گفت: یا امیرالمؤمنین! مجازات دیگری هم مانده است. قاضی گفت: چه مجازاتی؟ فرد شیعی گفت: سی ضربه تازیانه هم به خاطر بلندقد بودنش باید بخورد. قاضی گفت: مگر بلندقدی او به اختیار خودش بوده؟ فرد شیعی گفت: آیا ربودن درهم‌ها به اختیار خودش بود؟ پس قاضی سکوت کرد (عاملی، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱: ۱۲) و به بطلان اعتقاداتش پی برد.

## ۲-۸. روش طرح سؤال و مطالبهٔ دلیل از طرف مقابل

گاهی می‌توان با طرح سؤال، خصم را متوجه اشتباه در عقیده‌اش کرد. لذا یکی دیگر از روش‌های ردّ مکاتب معارض، روش طرح سؤال است.

شیخ حر گاهی برای ردّ مکاتب باطل، با روش طرح سؤال وارد می‌شود. وی در ردّ کشف در دیدگاه تصوف، سؤالی را طرح می‌کند و می‌گوید: نظیر این کشف، بلکه فراتر و بزرگ‌تر از آن برای کفار و جن‌زدگان حاصل می‌شود. بنابراین، چه فضیلتی در کشف است و اهل کشف از چه مزیتی برخوردارند؟ در مورد کفار هند و دیگران، همه‌جا رایج است که نظیر این کشف برایشان حاصل می‌شود، بلکه اینان و امثالشان اختراع‌کنندهٔ این ریاضت‌ها بوده‌اند، ولی در دین، چنین چیزی وارد نشده است (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۱۱۹). اگر از کسانی که ادعای کشف داشته‌اند، سؤال و

درخواست شود به وسیله کشف تنها یک مسئله از مسائل مشکل معروف بین علما و دانشمندان و یا اخبار و احادیث و یا کاری نظیر آن را به تحقیق و بررسی پردازند، بی آن که از شخص معینی نام برده شود، خواهید دید که عجز و ناتوانی اش آشکار و ادعایش به طور یقین محکوم به بطلان است و قطعاً قادر بر تحقیق و بررسی کوچکترین مسئله‌ای نخواهد بود. هم‌چنین پاسخی برای این سؤال نخواهند داشت که به چه دلیل در احادیث و اخبار، ذکر و یادی از کشف، بلکه نامی از آن به میان نیامده است؟! بدین سان، مشخص می‌شود که چنین موضوعی شرعاً از ریشه و اساسی برخوردار نیست (عاملی، ۱۴۳۲ق: ۱۲۰).

### نتیجه

دفاع به معنای خاص کلمه، درباره پاسخ‌گویی به شبهات به کار گرفته می‌شود. این مرحله همواره مورد توجه متکلمان بوده است. شیخ حر نیز بسیار به پاسخ‌گویی به شبهات پرداخته است، لیکن بیشتر شبهاتی که مطرح کرده، ناظر به اعتقادات مذهب شیعه است. هر شبهه‌ای که وارد می‌شود، یا به جهت اشتباه و اشکال در صورت استدلال آن است و یا به جهت بطلان ماده و مقدمات به‌کاررفته. در آثار شیخ حر عاملی در رد شبهات اعتقادی، پاسخی که ناظر به روش اشکال در صورت استدلال باشد، چندان یافت نشد، اما در پاسخ‌گویی به شیوه رد ماده استدلال، از روش‌های متعددی استفاده کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به روش رد لوازم و مبانی شبهه، روش پاسخ نقضی، روش ذکر مثال و تشبیه، روش رد استدلال شبهه‌گر، روش تنبیه به استثنای موجود و روش تنبیه به مقتضای حال و شرایط، اشاره کرد.

رد مکاتب معارض، آخرین مرحله در دفاع از آموزه‌هاست. در این مرحله، متکلم حالت هجومی دارد. این مرحله به جهت آن که نشان‌دهنده کمال مکتب متکلم است، بسیار اهمیت دارد. شیخ حر در این مرحله با روش‌های مختلف، از جمله لوازم فاسد دیدگاه‌های معارض، رد مبنايي و زیرساختاری، استفاده از مبانی طرف مقابل، هم‌گامی ظاهری با طرف مقابل، اثبات بطلان آموزه، ارجاع به بدیهیات، مطالبه دلیل از طرف مقابل، روش طرح سؤال و مطالبه دلیل از طرف مقابل، به رد مکاتب معارض پرداخته است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد الجزری، (بی تا)، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم، اسماعیلیان.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن، (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، مقدمه: احمد فارس شدياق، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم.
۵. احمد بن فارس، ابی الحسین، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۶. برنجکار، رضا، (۱۳۹۱)، *روش شناسی علم کلام: اصول استنباط و دفاع در عقاید*، قم، دارالحدیث، چاپ اول.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، *تاج اللغة و صحاح العربية*، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳ق)، *الفوائد الطوسية*، قم، المطبعة العلمية، چاپ اول.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۶)، *الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)*، قم، مؤسسه امام رضا (علیه السلام)، چاپ اول.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸ق)، *رسالة في الغناء*، قم، مرصاد، چاپ اول.
۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۲ق)، *الجواهر السنوية في الاحاديث القدسية*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۲)، *الإيقاظ من اللهجة بالبرهان على الرجعة*، تهران، نوید، چاپ اول.
۱۳. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۵ق)، *إثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۱۴. \_\_\_\_\_، (۱۴۳۲ق)، *الرسالة الاثني عشرية في الرد على الصوفية*، تحقیق و تصحیح: عباس الجلالی، قم، انصاریان للطباعة و النشر.
۱۵. \_\_\_\_\_، *رسالة خلق الكافر*، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱.
۱۶. \_\_\_\_\_، *تحریر وسائل الشیعه*، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره بازیابی ۳۶.
۱۷. خالقیان، ام البنین، (۱۳۹۴)، «روش شناسی کلامی شیخ حر عاملی»، رساله دکتری، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۸. سید رضی، ابوالحسن محمد، (۱۳۸۵)، *نهج البلاغه*، محمد دشتی، تهران، پیام عدالت، چاپ سوم.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *العین*، قم، هجرت، چاپ دوم.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد، (بی تا)، *مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، دارالرضی.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۳. محمدی، محمدعلی، (۱۳۸۸)، «شیوه پاسخ به پرسش‌های دینی»، *دوماه‌نامه میلعان*، ش ۱۱۵.